

به جمله های زیر دقت کنید به نظر شما نقش کلمات رنگی چیست؟

1. **When** you exercise ,your body uses that extra fuel to keep you going strong.

وقتی که شما ورزش می کنید، بدنتان سوخت بیشتری مصرف می کند تا شما را ثابت قدم نگه دارد.

2. **As** you do aerobic exercise and bring in oxygen ,your heart becomes stronger.

همانطور که تمرین هوازی و اکسیژن را انجام می دهید، قلب شما قوی تر می شود.

3. I saw Hossein **as** I was getting off the bus.

من حسین را دیدم، وقتی که من از اتوبوس پیاده می شدم.

4. Hasan has a very strong body **because** he does a lot of exercise.

حسن یک بدن خیلی قوی دارد، چون که او یک عالمه ورزش انجام می دهد.

5. Exercise helps protect you from injuries **since** it gives better support to your joints.

ورزش نمودن کمک می کند تا شما را از آسیب ها محافظت نماید؛ زیرا این امر از مفاصل شما بهتر حمایت کند.

6. **Since** you are unable to answer perhaps you should ask someone else.

از آنجا که شما قادر به پاسخ نیستید شاید شما باید از شخص دیگری بپرسید.

7. **As** he was too tired ,he didn't feel like going to the gym.

وقتی که او خیلی خسته بود، او دوست نداشت که به باشگاه برود.

8. We asked sadegh to come with us ,**as** he knew the road.

ما از صادق خواسته بودیم تا با ما قدم بزند، چون او جاده را می شناخت.

9. Exercising is an excellent way to feel happy **whether** you do it alone **or** with your parents.

ورزش نمودن یک راه عالی برا احساس شادی هست،چه آنرا به تنهایی انجام دهی یا با خانواده ات.

10. Look, Borna ,I'm calling the doctor ,**whether** you like it **or** not.

نگاه کن،برنا،من در حال تماس با دکتر هستم،چه تو دوست داشته باشی یا نه.

😊 به نظر شما نقش کلمات **whether ,since ,because ,as ,when** چیست؟
این کلمات ربط دهنده هایی هستند که برای بیان زمان دلیل و حالت استفاده می شوند.

AS

1- ربط دهنده ی زمان : هنگامی استفاده می شود که دو واقعه همزمان باهم اتفاق می افتند. در این حالت **as** به معنی "هنگامی که" است

I saw an accident **as** I was walking home.

من یک تصادف را دیدم هنگامی که به طرف خانه می رفتم.

2- ربط دهنده ی دلیل : برای بیان دلیل یک رویداد استفاده میشود. در این حالت **As** به معنی "براینکه" می باشد

As I was too hungry I stopped to buy a sandwich.

چون خیلی گرسنه بودم توقف کردم تا یک ساندویچ بخورم .

When

ربط دهنده ی زمان : هنگامی استفاده می شود یک عمل بعد از عمل دیگر اتفاق افتاده باشد. در این حالت **when** به معنی "هنگامی که" می باشد.

When I heard the door bell, I opened the door

هنگامی که صدای زنگ در را شنیدم در را باز کردم.

Mary joined the national basketball team **when** she was 21.

مری به تیم ملی بسکتبال ملحق شد **هنگامی که** 21 ساله ب

Since /because

رابطه دهنده های دلیل: این کلمات هنگامی بکار می روند که می خواهیم **دلیل انجام کاری** را بیان کنیم و یا اینکه چرا شخصی کاری را انجام داده است. در این حالت **since و because** به معنی "**بدلیل اینکه**" میباشند.

She didn't go out **because** it was raining.

او بیرون نرفت **چون** باران می بارید

Since the exercise is too easy, we can easily do it

بدلیل اینکه تمرین بسیار ساده است ما می توانیم به سادگی آن را انجام دهیم.

Since the weather was fine, we went out for a walk

از آنجایی که هوا مطابوب بود ما برای قدم زدن بیرون رفتیم.

Whether.....or

رابطه دهنده حالت: کلمه ای است که نشان دهنده **شرط، شرایط یا حالت است**. **Whether.....or** به معنی "**اگر.....یا**" می باشد.

You will have to accept it **whether** you like it **or** not.

شما باید آن را قبول کنید **اگر** آن را دوست داشته باشید **یا** نه.

We must do all these exercises **whether** they are easy **or** difficult

ما باید تمرینها را انجام دهیم **اگر** سخت باشند **یا** آسان.

Ω: یادآوری مهم:

کلمات **as, since** کاربردهای دیگری نیز دارند که به اختصار به آن ها اشاره می کنیم. چنانچه مایلید اطلاعات بیشتری بدست آورید سری به جزوات و کتاب های سال های گذشته بزنید.

Since

یکی دیگر از معانی این لغت به معنی **"از زمانی که"** است و در **زمان حال کامل (ماضی نقلی)** کاربرد می رود

I have lived in Mashhad **since** I was born.

من **از زمانی** که متولد شده ام در مشهد زندگی کرده ام.

As.....as

این ساختار در مبحث **صفت و قید** جهت مقایسه **دو حالت مساوی** و همانند به کار می رود

He was walking **as slowly as** a turtle.

او **به آهستگی** یک لاک پشت را ه می رود.

HELP, MAKE, LET کاربرد افعال

در انگلیسی انواع مختلفی از افعال وجود دارند که کدام عملکرد خاصی دارند بعضی از افعال هستند که **چنانچه بعد از آنها فعل دیگری به کار رود باید به صورت مصدر همراه با to باشد.** از این دسته افعال می توان به افعالی همچون **promise, try, believe, wish** ,..... اشاره کرد. تعدادی زیادی از افعال در زبان انگلیسی از این دسته هستند. در اینجا قصد داریم در رابطه با کاربرد سه فعل **help, make, let** کمی بحث کنیم.

به مثال های زیر توجه کنید. توجه ویژه ای به کلمات رنگی داشته باشید.

Good eye contact **helps your audience feel** more relaxed.

ارتباط داشتن خوب با چشم، کمک می کند که مخاطبان شما احساس آرامتری کنند.

A smile **lets your audience know** that you are human and trustworthy.

یک لبخند به مخاطبان اجازه می دهند که بفهمند، شما انسان دوست و قابل اعتماد هستید.

Asking questions can **make the audience concentrate** on your speech.

سوال پرسیدن، موجب می شود که مخاطبان را به سخنان خود متمرکز کنید.

همانطور که مشاهده می کنید بعد از افعال **help, make, let** مفعول قرار گرفته است و بعد از مفعول فعل بصورت مصدر بدون to استفاده شده است. کلمات آبی مفعول هستند و کلمات سبز مصدر بدون to.

پس می توانیم اینگونه نتیجه گیری می کنیم که فعلی **Help یا let یا make** بیاید باید بصورت مصدر بدون to می باشد که بعد از سه کلمه روبرو می آید:

Make

مصدر بدون to + مفعول + Let

Help

نکته: منظور از مصدر بدون to شکل پایه و شکل ساده فعل است.

نکته مهم: فعل بعد از **help** می تواند هم بصورت مصدر همراه با To باشد هم مصدر بدون To.

مثال:

He **helped his wife do** the dishes.

او به همسرش کمک نمود که ظروف را بشورد.

He **helped his wife to do** the dishes.

او به همسرش کمک نمود که ظروف را بشورد.

نکته: باید به این نکته توجه ویژه ای مبذول کنید که کلمات سبز رنگ به هیچ وجه تحت تاثیر زمان و شخص جمله قرار نمی گیرند.

Gerund

همگی به خوبی می دانیم که **(ing + فعل)** در زمان حال استمراری و گذشته استمراری کاربرد دارد. حال می خواهیم به کاربرد متفاوتی از این شکل فعل اشاره کنیم.

به جملات زیر به خوبی توجه کنید آیا می توانید وجه مشترک کلمات قرمز رنگ را حدس بزنید.

1. Put feeling and energy into your voice **by practicing**.

با تمرین، احساس و انرژی را در صدای خود قرار دهید.

2. You can involve your audience **by asking** them some questions.

شما می توانید با پرسیدن سوال مخاطبین خود را وارد بحث کنید.

3. You can add variety to your speech **by raising** or **by lowering** your voice.

شما می توانید با **بالا** و **پایین** بردن صدایتان به سخنرانی خود تنوع دهید.

همانطور که می بینید تمام کلمات قرمز رنگ بصورت **ing-form** هستند. و قبل از آن ها کلمه **by** استفاده شده است. اصطلاحا به این نوع کلمه **gerund** می گویند.

پس چنانچه بخواهیم بعد **از حرف اضافه By** فعلی را به کار ببریم بصورت یا **Gerund** می باشد.

By + فعل + ing

عبارت صفتی adjective phrase

به جملات زیر خوب دقت کنید: (دقت کنید که در ترجمه ی جملات، ترجمه یکسان هست فقط در تشکیل گرامر فرق دارند، به کلمات داخل پرانتز که در جلوی جملات آورده شده اند دقت فرمایید.)

1.a. all over the world there are people **who pollute the environment**. (clause)

در تمام جهان افرادی وجود دارند که محیط را آلوده بنمایند.

b. all over the world there are people **polluting the environment**. (phrase)

در تمام جهان افرادی وجود دارند که محیط را آلوده بنمایند.

2.a. energy **which comes form fuels like coal and oil** is used to heat and light our home (clause)

انرژی که از سوخت های مانند زغال و نفت می آید در گرمایش و چراغی نمودن خانه ی مان به عمل می آیند.

b. energy **coming form fuels like coil and oil** is used to heat and light our home (phrase)

انرژی که از سوخت های مانند زغال و نفت می آید در گرمایش و چراغی نمودن خانه ی مان به عمل می آیند.

3.a. most plastics **which are made form oil** are difficult to recycle (clause)

بیشتر پلاستیک هایی که تشکیل می شوند از نفت، بسیار دشوارند که بازیافت شوند.

b. most plastics **made form oil** are difficult to recycle (phrase)

بیشتر پلاستیک هایی که تشکیل می شوند از نفت، بسیار دشوارند که بازیافت شوند.

4.a. the photographs which were taken of the earth were wonderful (clause)

تصاویری که از زمین گرفته می شوند جالب هستند.

b. the photographs taken of the earth were wonderful (phrase)

تصاویری که از زمین گرفته می شوند جالب هستند.

❶ در جملات بالا جملات **a** همگی **جملات صفتی** هستند. و جملات **b** عبارت صفتی هستند. همانطور که می بینیم جهت تبدیل جملات **a** به جملات **b** در قدم اول باید ضمائر موصولی (کلمات آبی رنگ) را از جمله حذف کنیم.

مثال های 1 و 2 جملات معلوم هستند. در این جملات جهت تبدیل جملات **a** به جملات **b** باید فعل جمله به صورت **ing form** نوشته شود (کلمات سبز رنگ). در مثال های 3 و 4 جملات مجهول هستند. در این جملات جهت تبدیل جملات **a** به **b** فعل جمله باید به شکل اسم مفعولی (past participle) نوشته شود. (کلمات سبز رنگ).

❷ همانطور که می بینید در مثال های 3 و 4 در جملات **b** افعال (to be, are, were) (کلمات بنفش رنگ) از جمله حذف شده اند.

پس: (خلاصه ی مطلب در زیر آورده شده است)

جهت تبدیل جملات وصفی (جملات صفتی) به عبارت وصفی به شیوه ی زیر عمل می کنیم:

1: ضمائر موصولی را از جمله حذف می کنیم (کلمات آبی رنگ).

2: چنانچه جمله معلوم است فعل جمله را به شکل **ing form** تبدیل می کنیم.

3: چنانچه جمله مجهول است فعل (to be) را از جمله حذف می کنیم.

Modification of adjectives

در سال های گذشته با صفت و صفات عالی و تفضیلی آشنا شدیم حال بر آنیم تا وجوه کاربردی دیگری از صفات را بیان کنیم. در این درس کاربرد کلمات **enough, such, too, so** را بررسی می کنیم.

ابتدا به جملات زیر خوب دقت کنید کلمات قرمز صفت هستند و کلمات سبز اسم هستند.

1. The **earthquake** was so **strong** that it destroyed the whole village.

زمین لرزه خیلی قدرتمند بود که تمام روستا را نابود کرد.

2. The **earthquake** was so **light** that only special instruments could record it.

زلزله بسیار کوچک بود(قدرت زمین لرزه کم بود) که فقط ابزارهای ویژه می تواند آن را ضبط کند.

3. It was such a **strong earthquake** that it destroyed the whole village.

این مانند یک زلزله قوی بود که کل روستا را نابود کرد.

4. It was such a **mild earthquake** that only special instruments could record it.

این مانند یک زلزله خفیف بود(قدرت زمین لرزه کم بود) که تنها ابزار خاصی می توانست آن را ضبط کند.

5. The emergency telephone numbers like police are **easy** enough to remember.

شماره تلفن های ضروری(مانند پلیس) به اندازه ی کافی آسان هستند که یادآوری شوند.

6. Only a few people stay **calm** enough to help the injured after an earthquake.

فقط عده ای از مردم به اندازه ی کافی آرام می مانند که مردم آسیب دیده بعد از زمین لرزه کمک نمایند.

7. They had enough **money** to buy a first –aid box.

آنها پول کافی داشتند که جعبه های کمک اولیه را بخرند.

8. They had enough **confidence** to help the injured.

آنها اعتماد کافی برای کمک نمودن به مردمان آسیب دیده داشتند.

9. Some instructions were too **difficult** for us to understand.

تعدادی از راهنمایی ها خیلی دشوار بودند برای ما که متوجه شویم.

10. Most people were too **frightened** to do anything.

بیشتر مردم خیلی ترسو هستند برای انجام دادن امور مختلف.

اگر به کلمات رنگی خوب دقت کرده باشید به خوبی می توانید حدس بزنید که کلمات **so, such, too, enough** به چه صورت به کار می روند. حال با هم به بررسی ساختارها می پردازیم و در نهایت چند نکته را با هم بررسی می کنیم.

so+ **قید یا صفت** +that clause

1. The film was so **good** that I saw it twice.

فیلم آنقدر خوب بود که من دو بار آن را نگاه کردم.

2. She ran so **fast** that she forgot to take her keys.

او به سرعت دوید که کلیدهایش را فراموش کرد.

Such+ **اسم+(صفت)** +that clause

1. I've never met such **friendly** people.

من هیچگاه مردمی اینقدر با محبت ندیدم.

2. It was such a **funny** joke that we couldn't help laughing.

آنقدر جوک خنده داری بود که ما نتوانستیم خنده خود را کنترل کنیم.

نکته: توجه داشته باشید بعد از such **صفت ممکن است حذف شود** به همین دلیل داخل پرانتز نوشته شده است

مصدر با too+ **صفت** +(for+مفعول)

1. The coffee is too **hot** to drink.

این قهوه برای خوردن بسیار داغ است.

2. The lesson was too **hard** for us to understand.

این درس برای فهمیدن بسیار سخت است.

نکته: همان طور که می بینیم (مفعول + For) ممکن است حذف شود مانند مثال 1.

نکته: هنگامی که از too استفاده می شود **مفهوم جمله منفی می شود**. مثلا در مثال 1 هنگامی که می گوئیم این قهوه برای نوشیدن بسیار داغ است بدین معنی است که قهوه را نمی شود نوشید.

مصدر با to+(مفعول + for)+Enough+**صفت**

1. He is **tall** enough to reach the ceiling.

او به اندازه کافی قد بلند است که به سقف دسترسی داشته باشد.

2. The exercise was **easy** enough for me to do it.

تمرین برای من به اندازه کافی آسان بود که آن را انجام دهم.

نکته: دوباره متذکر می شویم (مفعول + for) می تواند از جمله حذف شود مانند مثال 1.

نکته: **enough** به معنی به اندازه کافی است.

مصدر با to+(مفعول+for)+**اسم**+Enough

1. Mary had enough **time** to read his novel.

مریم زمان کافی برای خواندن رمانش دارد.

2. There is enough **money** for you to take a vacation.

پول کافی برای شما برای رفتن به تعطیلات موجود است.

نکته: به خاطر داشته باشید که عبارت (مفعول + for) می تواند از جمله حذف شود مانند مثال 1

❗ خب حالا چند نکته: اگه زرنگ بوده باشین از ساختار ها و نکته های صفحه قبل خودتون می تونین این نکته ها رو حدت بزنین ولی متاسفانه دانش آموزان ایرانی یک کم تتبل بار اومدن و باید لقمه رو جویده تحویلشون داد. ☹️

البته تمام این نکته ها از کتاب درسی استخراج شده است.

1. کلمات So و Too قبل **از صفت** می آیند.

2: such قبل از صفت می آید. البته در این حالت بعد از صفت حتما باید یک اسم بیاید.

3: enough یا قبل از اسم یا بعد از صفت می آید.

4: بعد از so و such عبارت That clause استفاده می شود.

5: بعد از too و enough مصدر با to می آید .

6: هنگامی که از too استفاده می شود مفهوم جمله منفی می شود.

expressing contrast

بیان مغایرت

گاهی اوقات ما مطالبی را بیان می کنیم یا جملاتی را می نویسیم که معنی و مفهوم آنها با یکدیگر در تضاد است یا اینکه می خواهیم دو حالت را که در تضاد و تقابل با یک دیگر قرار دارند بیان کنیم. در این حالت می توانیم از یک سری کلمات یا عبارات استفاده کنیم که در اینجا به ذکر دو نمونه می پردازم.

به جملات زیر دقت کنید. علامت گذاری با دقت بیشتری توجه کنید

1. **Some people prefer to work for the government, while others like to be self employed.**

تعدادی از افراد ترجیح می دهند که برای دولت کار کنند، وقتی که دیگران دوست دارند (برای) خود کار کنند.

2. **While this work may be really boring, it is not child labor.**

وقتی که این کار ممکنه خسته کننده باشد، این کار مناسب (مال) کودکان نیست. (کودکان نباید این کار را انجام دهند).

3. **Ali comes from a rich family, whereas has to work hard in a factory.**

علی از یک خانواده ثروتمند هست، در حالی که باید در کارخانه سخت کار کند.

4. **Whereas rural children usually work in agriculture, some children in urban area work in trade and services.**

در حالی که کودکان روستایی معمولا در کشاورزی کار میکنند، برخی از کودکان در مناطق شهری در تجارت و خدمات کار می کنند.

همانطور که در مثال ها مشاهده می کنید جملات آبی و قرمز به لحاظ معنایی در تضاد هستند و کلمات while ، whereas بعنوان رابط هایی جهت ارتباط این جملات مغایر به کار می روند.

نکته مهم: در هنگام به کار بردن این دو کلمه باید به مکان علامت ویرگول در جمله توجه داشته باشیم ساختار های زیر می تواند در تشخیص مکان ویرگول در جمله مفید باشد

جمله دوم While/whereas ، جمله اول-

جمله دوم، جمله اول+While/whereas-

حال چند مثال دیگر را با هم مرور می کنیم. به مکان ویرگول دقت کنید.

1. **While** peter works very hard, his brother is very lazy.

در حالی که پیتر بسیار سخت کوش است برادرش بسیار تنبل است.

2. **While** jack is a clever student, his brother is lazy .

در حالی که جک بسیار باهوش است برادرش تنبل است.

3. Some people like team sports, **whereas** others prefer individual sports.

برخی افراد ورزش های گروهی را دوست دارند در حالی که برخی دیگر ورزش های انفرادی را ترجیح می دهند.

نکته مهم: چنانچه کلمات **while, whereas** در اول جمله بکار روند **علامت ویرگول** بین جمله اول و دوم بکار می رود. اما چنانچه این دو کلمه در وسط جمله استفاده شوند علامت **ویرگول** قبل از این دو کلمه استفاده می شود.

هنگامی که می خواهیم راجع به هدف از انجام کاری صحبت کنیم، **so that** یا **in order to** استفاده می کنیم.

بیان هدف **Expressing purpose**

هنگامی که می خواهیم راجع به هدف از انجام کاری صحبت کنیم از عباراتی همانند **in order to, so as to, so** استفاده می کنیم. **that**

1. My brother is reading a book on space exploration **so that** he **will** get more information.

برادر من در حال خواندن کتابی در مورد اکتشافات فضایی هست، بنابراین او اطلاعات بسیاری را متوجه خواهد شد.

2. A space probe is a robot vehicle used **to explore** deep space

یک جستجوگر فضایی یک وسیله نقلیه ربات است که برای کشف فضای عمیق مورد استفاده قرار می گیرد.

3. Muhammad moved to a new apartment **in order to** get near his work

محمد به منظور نزدیک شدن به محل سرکارش به یک آپارتمان جدید رفت.

4. Today's scientists use the Hubble space telescope **so as to understand** the earth, solar system , and what is beyond.

دانشمندان امروز از تلسکوپ فضایی هابل استفاده می کنند تا زمین، منظومه شمسی و آنچه فراتر از آن است را درک کنند.

حال به بررسی چند نکته راجع به مثال های بالا می پردازم.

1. So that. برای بیان هدف از انجام کاری استفاده می شود. بعد از so that معمولاً یکی از افعال معین modal verbs (can, will should could) استفاده می شود.

مثال

1. Ali goes to the library **so that** he **can study** in a quiet plac

علی به کتابخانه می رود تا بتواند در مکانی ساکت به مطالعه بپردازد.

2. Ali went to the library **so that** he **could study** in a quiet place.

علی به کتابخانه رفت تا بتواند در مکانی ساکت به مطالعه بپردازد

بآوری : بعد از افعال کمکی خاص (کلمات آبی) فعل همیشه به شکل ساده (مصدر بدون to) می آید (کلمات سبز)

2. برای بیان هدف از انجام کار می توانیم از حالت **مصدر همراه با to** نیز استفاده کنیم

مثال:

1. I lay down for a minute **to relax**

من دقیقه ای دراز کشیدم **تا استراحت کنم.**

3. چنانچه بخواهیم از **ساختار To** در مثال بالا میتوانیم از عباراتی همچون **So as to** و **In order to** استفاده **رسمی** استفاده کنیم.

به دو مثال زیر توجه کنید.

1. He moved to a new apartment **in order to be** near his work.

او به آپارتمان جدید نقل مکان کرد تا به محل کارش نزدیک باشد.

2. She's going to the post office **so as to buy** some stamps.

او به اداره پست می رود تا تعدادی تمبر بخرد.

نکته مهم: همانطور که در مثال ها مشاهده می کنید بعد از عبارات **in order to , so as to** نیز باید از شکل ساده فعل (مصدر بدون to) استفاده کرد. در مثال های بالا کلمات **قهوه ای رنگ** شکل ساده فعل هستند.

بیان مغایرت **Expressing contrast**

در درس های گذشته راجع به کلماتی همچون **while, whereas** که بیان کننده مغایرت هستند صحبت کردیم. در اینجا به بررسی چند کلمه دیگر از این دسته می پردازیم.

با دقت چند به جملات زیر نگاه کنید

1. **Although** the internet provides many services, it has its own problems, too.

اگر چه اینترنت مزایای زیادی دارد، ولی مشکلات خودش را هم همچنین دارد.

2. Many people are not able to use the internet, **even though** it is available for the public.

خیلی از افراد نمی توانند که از اینترنت استفاده کنند، حتی اگر اینترنت برای عموم موجود باشد.

3. **Though** reza has a personal computer, he doesn't use it very often.

اگر چه رضا کامپیوتر شخصی دارد، ولی اغلب اوقات از آن استفاده نمی کند.

کلمات **although, even though, though** به معنی اگر چه هستند. و هنگامی بکار می روند که بخواهیم دو جمله مغایر را به یکدیگر ارتباط دهیم. در به کار بردن این کلمات باید به علامت ویرگول دقت کنید. (جملات اول و دوم به لحاظ معنایی مغایر و متضاد با هم هستند.)

Modals+have+pp

قطعاً شما با کلمات **might, must, should** آشنا هستید. این افعال جز افعال معین **modal verbs** دسته بندی می شوند. در سال های گذشته با این افعال و خصوصیات آن ها آشنا شده اید. حال می خواهیم کاربرد دیگری از این افعال را با هم بررسی کنیم.

1. Mother Teresa devoted her life to the poor .she **must have been** a very kind person.

مادر ترزا زندگی خود را به فقرا اختصاص داده است. او باید یک فرد بسیار مهربان باشد.

2. Edison had signs of a serious hearing problem .this **may have been** the reason for his poor performance at school.

ادیسون علائم یک مشکل شنوایی جدی داشت. این ممکن است دلیل عملکرد ضعیف وی در مدرسه باشد.

3. Mother Teresa spent all her life helping the people of India what she did was great .but people in Africa are much poorer and I believe she **should have helped** them instead.

مادر ترزا تمام زندگی خود را صرف کمک به مردم هند انجام داد، عالی بود. اما مردم آفریقا خیلی فقیر هستند و من معتقدم او باید به جای آنها کمک کند.

همانطور که می بینید در مثال های بالا کلمات **must, may, should** همگی به همراه **have+pp** به کار رفته اند. همانطور که در مثال یک مشاهده می کنید عبارت **must have been** برای یک نتیجه گیری منطقی بر مبنای اطلاعات قبلی ما استفاده می شود. در مثال دوم عبارت **might have been** جهت بیان امکان وجود حالتی استفاده شده است. در مثال سوم عبارت **should have helped** جهت بیان یک توصیه به کار رفته است. به طور کلی می توانیم گفته های بالا را به صورت زیر جمع بندی کنیم.

May/might+ have + p.p

این ساختار جهت بیان **احتمال واقعه ای در گذشته** استفاده می شود. در این حالت اطمینان از گفته خود حدود 50% است.

Tina was absent yesterday .she **may/might have been** sick.

تینا دیروز غایب بود. او **احتمالا** مریض بوده است.

Must+ have + p.p

این ساختار جهت بیان یک **استنتاج منطقی یا قطعیت در مورد یک واقعه در زمان گذشته** به کار می رود. در این حالت اطمینان از گفته خود 95% است.

Tina was absent yesterday .she **must have been** sick.

تینا دیروز غایب بود. او **حتما** مریض بوده است.

Should +have + p.p

این ساختار جهت بیان یک توصیه در زمان گذشته به کار می رود. در این حالت مفهوم جمله منفی است و شخص از کاری انجام داده پشیمان است.

1. You should have helped the poor (but you didn't)

شما بهنتر بود به فقرا کمک می کردید (اما کمک نکردید)

2. I shouldn't have asked him for help. (but I did)

من نباید از او درخواست کمک می کردم. (اما در خواست کمک کردم.)

😊 همانطور که در جملات بالا مشاهده می کنید. کلمات داخل پرانتز که مفهوم جمله هستند همگی مفهوم منفی دارند و نشان دهنده پشیمانی هستند.

قال امام مَولانا الهاديّ المهديّ: ما أرغم أنفُ الشَّيْطانِ بشي ءٍ مِثْل الصَّلَاةِ

مولایمان امام مهدی (عج) می فرمایند: هیچ چیزی مانند نماز بینی شیطان لعین را به خاک نمی مالد.

Imam Mahdi (pbuh) says: nothing like prayer cover lain the nose of damn evil

arshportal.com